

مدیریت ریسک و قوانین بازل در بانک های نمونه ایرانی

احمد اصلی زاده^۱، آرش برنده پورمهرام^۲، حسین صارمی^۳

- ۱- استادیار دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام (ره)
- ۲- کارشناسی ارشد دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات
- ۳- کارشناسی ارشد دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

چکیده

آگاهی از مدیریت ریسک برای بهبود کنترل داخلی و خارجی و همچنین بهبود تقویت مدیریت ریسک در بانکداری و جلوگیری از ظهور بحران مالی مورد نیاز است. هدف این مطالعه بررسی سطح آگاهی مدیریت ارشد با مدیریت ریسک و بررسی ارتباطات مدیر ارشد با بخش کنترل ریسک در بانک های ایرانی است که علاوه بر این میزان استفاده بانک های ایرانی از قوانین بازل II و بازل III نیز مورد مطالعه قرار گرفت. برای انجام مطالعه از روش مصاحبه استفاده شد که برای این کار با مدیران بخش ریسک بانک های توسعه تعاون، توسعه صادرات، آینده و مسکن مصاحبه بعمل آمد. شواهد نشان دهنده افزایش سطح آگاهی مدیران ارشد بانک های ایرانی در سال های اخیر است اما با این حال نیاز به تقویت مدیریت ریسک و افزایش آگاهی مدیران ارشد بانک های ایرانی با این بخش هنوز احساس می گردد. بانک های ایران پیروی از قوانین بازل را لازم ولی غیر کافی دانسته و معتقدند که در کنار این قوانین طراحی الگوهای منطقه ای نیز مورد نیاز می باشد.

کلمات کلیدی: مدیریت ریسک، بانک های ایرانی، قوانین بازل

مقدمه

هر سازمان جهت نیل به اهداف خود، نیازمند برنامه‌ریزی‌های منظم و آگاهانه می‌باشد که امروزه با پیشرفت‌های حاصله در بخش‌های مختلف نیاز به مدیریت‌های خلاقانه و کارآمد بیش از پیش احساس می‌گردد به این منظور سازمان‌های مختلف علاوه بر تصمیم‌گیری در مقاطع کوتاه‌مدت نیازمند تصمیم‌گیری‌های میان‌مدت و بلندمدت در راستای رسیدن به اهدافشان می‌باشند که عموماً این تصمیمات بلندمدت با کنترل مدیران ارشد هر سازمان صورت می‌گیرد. برنامه‌ریزی‌های استراتژیک شامل برنامه‌های بلندمدت اند که عموماً توسط مدیریت ارشد کنترل می‌گردند. برنامه‌ریزی استراتژیک پروسه تصمیم‌گیری روی برنامه‌های تحت تعهد سازمان است و اختصاص منابع مورد نیاز برای هر یک از این برنامه‌ها طی سال‌های آینده. برای موثر بودن یک برنامه‌ریزی استراتژیک، ابتدا باید زیرساخت‌های لازم برای اجرایی شدن آن‌ها را فراهم نمود که علاوه بر آن اطلاعات مدیریتی نیز بسیار مهم می‌باشد از طرفی میزان بودجه تخصیصی سیستم نیز بر نحوه اجرایی شدن برنامه‌های یک سازمان بسیار تاثیر گذار می‌باشد. تصمیم‌گیرهای برای یک سازمان و برنامه‌ریزی‌های استراتژیک آن نیازمند توجه به قالب و ساختار فیزیکی، مالی و سازمانی می‌باشد و بر این اساس است که می‌توان تشخیص داد که چه تصمیمی در چه زمانی باید در اولویت اجرا قرار گیرد و همچنین میزان منابع مورد نیاز برای هر طرح مشخص می‌گردد. پروسه برنامه‌ریزی برای یک سازمان عبارت است از اختصاص منابع مورد نیاز برای اجرایی شدن هر برنامه سازمانی. تلاش‌های قالب سازمانی وابسته به آنالیز محیط اثر گذاری سازمان است. هر تصمیم‌گیر نیازمند فعالیت‌های اقتصادی، ایجاد تغییرات در محیط کسب و کار، تغییرات در نسبت مشتریان با تاکید بر عملکرد سازمان و ایجاد یک محیط رقابتی سالم می‌باشد که همه‌ی این تغییرات بسیار متاثر از عملکرد سازمانی است. سازمان‌ها و موسسات مالی نقش و اهمیت زیادی در ساختار اقتصادی هر کشور دارند. این موسسات به مثابه قلب تپنده اقتصاد، در دو بازار سرمایه و پول فعالیت دارند و باعث جریان پول و نقدینگی در جامعه می‌شوند؛ یکی از سازمان‌های بسیار مهم که مستقیماً بر اقتصاد کشورها تاثیر گذارند، بانک‌ها هستند که خروجی عملکرد آن‌ها به صورت مستقیم بر سطح زندگی مردم جوامع تاثیر گذار می‌باشد. بانک‌ها نیز همانند دیگر سازمان‌ها از سازوکارهای موجود در زمینه تصمیمات استراتژیک جهت کنترل منابع و درآمدهای خود پیروی می‌کنند و اینگونه تصمیمات در این نهادها توسط مدیران ارشد صورت می‌گیرد؛ در گذشته با توجه به عدم وجود پیچیدگی‌های حاضر، مدیران برای تصمیم‌گیری نیاز چندانی به آشنایی با مهارت‌های پیچیده مدیریتی نداشتند ولی پس از اینکه برخی از بانک‌های بسیار بزرگ و پیشرفته در دنیا دچار ورشکستگی شدند نیاز به درک بسیاری از مهارت‌های تصمیم‌گیری در مدیران ارشد، به عنوان یکی از مهمترین مسئولان تصمیم‌گیری در سازمان‌ها، پدیدار گردید؛ یکی از مهمترین مهارت‌های یک مدیر جهت تصمیم‌گیری‌های منطقی نیاز مهارت ریسک‌پذیری آن است به این صورت که یک مدیر در تصمیمات خود تا چه حد از توانایی ریسک‌پذیری برخوردار است به همین دلیل به مرور زمان واژه ریسک‌پذیری مدیریتی در علم مدیریت به وجود آمد که امروزه کم و بیش همه مدیران با این مهارت‌ها آشنا بوده و سعی دارند با توجه به شرایط، آن را در تصمیمات خود دخیل نمایند (بهر، ۲۰۰۷). در این مطالعه هدف بررسی میزان سطح ریسک‌پذیری مدیران ارشد در تصمیم‌گیری‌هاست که برای این منظور چهار بانک مسکن، بانک توسعه تعاون، بانک توسعه صادرات و بانک آینده در نظر گرفته شد و با انجام مصاحبه و طرح سوالات مربوطه، سعی بر این شد تا میزان آشنایی مدیران ارشد چهار بانک مذکور به عنوان یک جامعه آماری از بانک‌های کشور مورد ارزیابی قرار گیرد (ریکسانکن و همکاران، ۲۰۱۰).

کنترل خارجی مدیریت ریسک

در مدیریت ریسک مطلوب، یک فرایند اولویت‌بندی منظور گردیده که بدان طریق ریسک‌هایی با بیشترین زیان‌دهی و بالاترین احتمال وقوع در ابتدا و ریسک‌هایی با احتمال وقوع کمتر و زیان‌دهی پایین‌تر در ادامه مورد رسیدگی قرار می‌گیرند. در عمل، این فرایند ممکن است خیلی مشکل باشد و همچنین در اغلب اوقات ایجاد توازن میان ریسک‌هایی که احتمال وقوعشان بالا و زیان‌دهی‌شان پایین و ریسک‌هایی که احتمال وقوعشان پایین و زیان‌دهی‌شان بالاست، ممکن است به طور مناسبی مورد رسیدگی قرار نگیرند. ریسک استراتژیک ریسکی است که سازمان برای تحقق اهداف تجاری خود می‌پذیرد. در دنیای کسب و کار و پر از تحول امروز، مدیریت ریسک از اهمیت روزافزونی برخوردار شده است. مدیریت ریسک پذیری به عنوان یک تنظیم‌کننده و راهنما عمل می‌کند و در واقع الگویی است که بر اساس آن می‌توان اطلاعات جامعی از نحوه سرمایه‌گذاری، خطراتی که ممکن است در صورت عدم توجه و کنترل منجر به شکست پروژه‌های سرمایه‌گذاری گردد و ... را بدست آورد و با آگاهی و شناخت بیشتری سرمایه‌گذاری نمود. مدیریت ریسک در واکنش به افزایش ناپایداری در بازارهای مالی جهان و به خصوص سیستم بانکی که پایه اصلی تمام فعالیتهای اقتصادی و مالی است، ظهور کرد. گسترش فیزیکی سیستم مدیریت ریسک نیز از طریق نوآوری تکنولوژیک امکان پذیر شده است. این تغییرات تکنولوژی از پیشرفت در دو شاخه حاصل شده اند: ابزارهای فیزیکی و نظریه مالی از یک سو موجب پیشرفت در ارتباطات ارزان قیمت و قدرت محاسبه نیز باعث ایجاد امکان فعالیت بانکی پیوسته و سیستم‌های مدیریت ریسک به روز شده است و از سوی دیگر جهش‌های نظریه جدید مالی به بانک‌ها اجازه کنترل و مدیریت ریسک‌های جدید را داده است.

توسعه استانداردهای بین‌المللی دو هدف پشت خود داشت که عبارتند از: ۱- ایجاد استانداردهایی با هدف کاهش نابرابری‌های رقابتی موجود و ۲- افزایش سطح سرمایه در هر بانک به منظور ایجاد ثبات در سیستم بانکی بین‌المللی. کمیته بازل در گام اول به منظور سنجش ریسک اعتباری در بانکداری یک قالب اندازه‌گیری سرمایه تعریف نمود که نتیجه آن، توافق بازل، به عنوان بازل I شناخته شد. تبعیت از بازل ۱ الزام قانونی نداشت و صرفاً به منظور ایجاد یک الگوی راهنما شامل بهترین روش‌های اجرایی، شکل گرفته بود. این کمیته تبعیت از قوانین خود را به اختیار خود کشورها گذاشته بود به این ترتیب که در صورتیکه قوانین را مناسب سیستم بانکداری خود می‌داند می‌تواند از این قوانین جهت سهولت در امر کنترل نظام بانکی خود استفاده نماید. در طی گذشت سالیان کمیته بازل به منظور انطباق با تغییرات ایجاد شده در شرایط بانکی و بازار، بروزرسانی شده است. علاوه بر این ناپایداری‌های مالی در محدوده‌های زمانی معین برخی نواقص چارچوب‌های موجود را نشان داد. روند موجود سبب ایجاد بازل II شد که در سال ۲۰۰۷ در چندین کشور اجرا شد و بازل III که طی یک دوره شش‌ساله تدوین شده از سال ۲۰۱۳ به مرحله اجرا در آمد. کنترل خارجی بانک‌ها امر مهمی است در پی بحرانهای مالی، جهت حل و فصل بحران و ایجاد ثبات در اقتصاد کشورهای آسیب‌دیده، دولت و بانک مرکزی این کشورها مجبور به اخذ تصمیماتی از جمله کاهش قابل توجه نرخ بهره‌ها و اعطای وام‌ها با شرایط مناسب، هستند.

مدیریت ریسک در بانکداری اسلامی

ویژگی‌های بانک‌های اسلامی و الگوهای واسطه‌گری مالی مورد استفاده آن‌ها باعث شده است که تامین منابع مالی برای فعالیت‌های اقتصادی توسط بانک‌های اسلامی و بانک‌های متعارف و شیوه تجهیز منابع نیز با دو روش کاملاً متفاوت صورت گیرد. تفاوت اصلی بانکداری اسلامی با بانکداری متعارف در بکارگیری قراردادهای اسلامی و مبتنی بر مشارکت در سود و زیان است. این تفاوت‌ها موجب می‌شود میزان ریسک فعالیت‌های بانکی در دو نظام به صورتی متفاوت بین سپرده

گذاران بانک و سرمایه گذاران توزیع شود؛ به عبارت دیگر مدیریت ریسک در بانکداری اسلامی به دلیل غیر ربوی بودن و مفاهیم خاص آن علاوه بر موارد مطرح شده در مدیریت ریسک نیازمند اعمال دقت در مفاهیم بانکداری اسلامی نیز می باشد.

روش تحقیق:

با توجه به اهمیت فوق العاده‌ی ریسک پذیری مدیریت ارشد در حل بحرانهای اقتصادی این مطالعه با هدف بررسی چگونگی آگاهی مدیریت ارشد از ریسک پذیری خود و اینکه آیا در سالهای اخیر آگاهی از ریسک پذیری در بانکهای ایران افزایش یافته است یا خیر، انجام خواهد شد. هدف دیگر این مطالعه بررسی چگونگی برقراری اتحاد بین مدیریت ریسک پذیری با مدیریت عمومی مدیر ارشد در بانک های ایران است و اینکه آیا تنها ادغام این دو مدیریت با هم کفایت. علاوه بر اهداف ذکر شده یک هدف دیگر این مطالعه بررسی دیدگاه بانک های ایران در مورد قوانین بازل بر مدیریت ریسک می باشد. برای دستیابی به نتایج مناسب و منطقی در این مطالعه ما ۴ بانک مطرح در ایران از جمله بانک مسکن، بانک توسعه تعاون، بانک آینده، بانک توسعه صادرات را انتخاب نموده و برای دستیابی به تجربیات بانک های مذکور طی سال های گذشته، پیشنهاد آن ها را مورد مطالعه قرار دادیم، علاوه بر این جهت سهولت در دسترسی به سوالات مطرح شده در پایان نامه مذکور ما تنها بر روی بخش های قابل درک قوانین بازل تمرکز کرده و بخش های تکنیکی آن را نادیده گرفتیم. در این مطالعه با توجه به اینکه هدف، بررسی سطح ریسک پذیری مدیریت ارشد بانک های ایران در تصمیم گیری ها و میزان اهمیت آن است بنابراین لازم است که علاوه بر مروری بر مطالعات گذشته در این زمینه، یک مطالعه مروری نیز بر عملکرد و پیشنهاد بانک ها مذکور داشته باشیم. به عبارتی جمع آوری مشاهده ها می تواند یک دستورالعمل مناسب جهت رسیدن به اهداف فراهم آورد و به این ترتیب ما را در دستیابی به سوالات تحقیق یاری رساند. برای پاسخ به سوالات تحقیق و اینکه میزان ریسک پذیری مدیران ارشد بانک های ایران در چه سطحی قرار دارد نمی توانستیم تمامی بانک های موجود در کشور را مورد مطالعه قرار دهیم به همین دلیل یک جامعه آماری متشکل از ۴ بانک انتخاب نمودیم که هر یک از این بانک ها روش های متفاوتی در حل مسائل مربوط به جمعیت کشور دارند. مطالعه ما تنها بررسی میزان سطح ریسک پذیری مدیران ارشد در یک ارگان و یا سازمان خاص نبود به همین دلیل چهار بانک با عملکردهای متنوع انتخاب گردید که در واقع نتایج حاصل از بررسی آن ها می تواند مقایسه ای بین چهار بانک مختلف فراهم آورد به همین دلیل یک مطالعه مروری نتایج مناسب تری برای مطالعه ما فراهم می آورد.

اصول تحقیق

مشورت با صاحب نظران در این زمینه بیانگر این مطلب بود که جهت رسیدن به یک دیدگاه جامع و منطقی دو روش اصلی ولی متفاوت وجود دارد که عبارتند از استنباط استقرایی و استنباط قیاسی. هر دوی این دیدگاه به طریقی می توانند ما را در رسیدن به هدف مطالعه یاری نمایند. در استدلال قیاسی که بر اساس منطق استوار است، محقق نتایج خود را بر اساس ایجاد فرضیه پایه گذاری نموده و نتیجه گیری از آن را به بررسی ها و آنالیز های فرضیه در آینده موقوف می نماید که در این روش تبعیت از تعهدات بسیار حائز اهمیت می باشد؛ در حالیکه در استدلال استقرایی نتیجه گیری بر اساس رویدادهای جاری و وقایع پیرامون انجام می شود و نتایج حاصل از این استدلال در واقع همان فرضیه است که ممکن است بر اساس شواهد موجود حاصل شده باشد. در این مطالعه، مسئله عمده، تمرکز بر بخش های بانکداری و آنالیز بین این بخش هاست که این امر با تمرکز بر موقعیت جاری و نتایج آینده حاصل می شود.

روش جمع آوری داده ها

به دلیل نوع تحقیق و همچنین گستردگی جامعه آماری و به تبع آن پیچیدگی نمونه آماری و برای دسترسی سریعتر به نظرات پرسش شوندگان بهترین روش جمع آوری داده ها در این تحقیق پرسشنامه در نظر گرفته شد. به منظور دستیابی به نتایج مورد نظر و انجام شایسته روش تحقیق از روش های زیر بهره گرفته شد:

۱- مطالعات کتابخانه ای: جهت تدوین مبانی، تعاریف و مفاهیم نظری از منابع کتابخانه ای استفاده شد که مهمترین و مفیدترین منبع موتورهای جستجو در اینترنت، مقالات، بانک ها و منابع اطلاعاتی و کتابخانه ای بوده است.

۲- تحقیقات میدانی: به منظور جمع آوری اطلاعات مورد نظر و سنجش متغیرهای تحقیق، از پرسشنامه استفاده شده است. شاخص های مورد سنجش در تحقیق، پیش از آنکه در قالب پرسشنامه به نظر سنجی گذاشته شود، در معرض قضاوت اساتید مربوطه و چندتن از خبرگان و کارشناسان بانک ها قرار گرفت و نهایتاً از پرسشنامه مورد توافق به عنوان ابزار جمع آوری داده ها استفاده شد. برای جمع آوری داده ها دو روش مطرح است که عبارتند از: روش کمی و روش کیفی. روش کمی بهترین گزینه جهت مقایسه حجم زیادی از داده ها است که می توان آن ها را مورد آنالیز قرار داده و بر اساس داده های آنالیز به نتیجه صحیح دست یافت. در مقابل روش کمی، روش کیفی وجود دارد که با استفاده از نتایج حاصل از آن می توان به درک عمیق تری از مسئله مورد نظر رسید به عبارتی می توان گفت نتایج حاصل از بررسی های کیفی بسیار عمیق تر و تاثیرگذارتر از داده های حاصل از آنالیزهای کمی است. عموماً نتیجه گیری بر اساس استدلال های قیاسی با روش های کمی حاصل می آیند در صورتی که نتایج حاصل از استدلال های استقرایی با روش های کیفی حاصل می شوند. در این مطالعه نتایج حاصله با مروری بر فعالیت های بانک و همچنین بررسی آمارهای ارائه شده برای عملکرد بانک های مورد مطالعه، به دست آمد که به عبارتی می توان گفت از هر دو روش استدلال استقرایی و استدلال منطقی برای رسیدن به اهداف مطالعه استفاده شد. برای رسیدن به اهداف تحقیق لازم است که ابتدا این مسئله مورد بررسی قرار گیرد که باید داده های کمی جمع آوری کنیم یا داده های کیفی و این مسئله در واقع، اولین گام برای رسیدن به اهداف مطالعه می باشد. مسئله بعدی تحقیق این است که به چه روشی می توان داده های کمی و کیفی مورد نیاز برای مطالعه را جمع آوری نمود. با توجه به اینکه در این مطالعه هدف ما بررسی و آنالیز دقیق عملکرد مدیریت ارشد در بانک های ایران است و این مطالعه را روی چهار بانک انجام داده ایم و می خواهیم نتایج حاصل از بررسی این چهار بانک را به یک جامعه بزرگ تعمیم دهیم بنابراین لازم است که حتماً از روش کیفی جهت ارزیابی عملکرد استفاده نماییم تا بتوانیم به درک درستی از جامعه آماری مورد مطالعه برسیم.

داده های اولیه و ثانویه

مروری بر تحقیقات مختلف نشان داد که در تحقیقات معتبر عموماً از دو دسته داده استفاده می شود که عبارتند از داده های اولیه و ثانویه که داده های اولیه عبارتند از آن دسته از داده ها که به یک یا چند روش توسط محققین جمع آوری می شوند و داده های ثانویه عبارتند از داده های موجود و یا به عبارت دیگر داده هایی که توسط سایرین جهت مطالعات مختلف جمع آوری شده اند و می توانند ما را در دستیابی به اهدافمان راهنمایی کنند. این دسته از داده ها عموماً کم و بیش برای مطالعات مختلف در اختیار می باشند. در این مطالعه، داده های ثانویه با مطالعه کتاب و مقالات متعدد در این زمینه جمع آوری شد و در کل با استفاده از این داده ها توانستیم به درک مشخصی از موضوع مورد مطالعه دست یابیم. مطالعه داده های ثانویه می تواند خط مشی دقیقی برای درک مسئله در مورد مطالعه در جامعه آماری باشد. انتخاب داده های ثانویه با

مطالعه تحقیقات و مقالات سایر محققین انجام شد که به منظور دستیابی به نتایج مطالعاتی با اهداف مشابه و یا سایر اهداف انجام شده بود و همچنین قسمتی از داده ها نیز با مطالعه نتایج منتشر شده توسط کمیته بازل برای بانک های ایران جمع آوری گردید. علاوه بر این داده های ثانویه، با مطالعه گزارشات سالانه هر یک از بانکها حاصل گردید که تلفیق کلیه دادهها سبب ایجاد یک دیدگاه جامع برای هر یک از بانکهای مورد نظر گردید؛ بنابراین بطور کلی می توان گفت داده های ثانویه ایی که در این مطالعه مورد استفاده قرار گرفت تلفیقی بود از نتایج مقالات علمی، گزارشات و مطالعات هر یک از بانک ها که با اهداف مطالعه ما مشابهت داشت. داده های اولیه نیز با مراجعه به چهار بانک ایرانی که عبارتند از بانکمسکنوبانکتوسعه تعاونوبانکتوسعه صادرات و بانک آینده صورت گرفت. جهت دستیابی به یک تصویر واقعی و آنچه که در واقعیت در هر یک از بانک های مورد نظر اتفاق می افتد نیازمند مراجعه به این بانک ها و جمع آوری یکسری اطلاعات از مقام مربوطه است که این داده ها باید بصورت کاملا واقعی و بدون از هر گونه تبعیض جمع آوری شوند و یا به عبارتی باید از آنچه که در واقعیت اتفاق می افتد به نتیجه گیری صحیح دست یافت نه آنچه که می اندیشیم. برای نتیجه گیری صحیح در این مطالعه ما داده های اولیه (داده ای جمع آوری شده با مطالعه حضوری) و داده های ثانویه (داده های حاصل از سایر مطالعات و پیشینه بانک ها) را جهت نتیجه گیری نهایی با هم تلفیق نمودیم.

انتخاب سازمان ها

همانطور که قبلا هم اشاره شد ما در این مطالعه چهار بانک ایرانی را به عنوان یک جامعه آماری از بانک های موجود در ایران انتخاب نمودیم که این بانک ها عبارتند از چهار بانک مسکن، بانک توسعه تعاون، بانک توسعه صادرات و بانک آینده. انتخاب این چهار بانک با توجه به ساختارهای متفاوت و تاثیر گذاری بیشتر آن ها بر اقتصاد کشور انتخاب گردید؛ به این صورت ما می توانستیم با بررسی میزان سطح ریسک پذیری مدیریت ارشد در این چهار بانک به یک دیدگاه کلی در مورد سطح ریسک پذیری مدیران ارشد در بانک های ایرانی دست یابیم.

انتخاب افراد برای مصاحبه

از آنجایی که هدف این مطالعه بررسی میزان ریسک پذیری مدیریت ارشد بانک ها بوده و دستیابی به نتایج واقعی این مطالعه تا حد زیادی وابسته به پاسخ های فرد مصاحبه شونده بود بنابراین ما تصمیم گرفتیم که با افرادی مصاحبه کنیم که در جایگاه بالاترین مقام تصمیم گیرنده قرار دارند و تصمیمات آن ها نقش بسزایی در عملکرد سازمانی خواهد داشت بنابراین انتخاب افراد برای مصاحبه بر اساس موقعیت سازمانی آن ها صورت خواهدگرفت که در این تحقیق با مدیران ریسک بانک های مورد نظر مصاحبه صورت گرفت.

روش مصاحبه

دستیابی به نتایج درست در این مطالعه نیازمند دستیابی به اطلاعات جامع در مورد هر یک از بانک های مورد مطالعه بود و در واقع ما نیازمند دستیابی به یک دیدگاه کلی اولیه در مورد هر یک از بانک ها بودیم تا بتوانیم با اطلاعات کافی به مصاحبه پردازیم. سه روش برای مصاحبه حضوری وجود دارد که عبارتند از مصاحبه غیر ساختار یافته که در این نوع مصاحبه هیچ گونه کنترلی بر پاسخ مصاحبه شونده وجود ندارد؛ مصاحبه نیمه ساختار یافته که در این نوع مصاحبه حداقل یک عامل کنترل بر مصاحبه وجود دارد و روش سوم مصاحبه ساختار یافته که در این نوع مصاحبه در قالب یک ساختار مشخص و کنترل شده انجام می شود. ما در ابتدای کار از مصاحبه سازمان نیافته جهت دستیابی عمیق به نحوه استفاده از قوانین بازل در منطقه استفاده کردیم. قبل از شروع مصاحبه با مدیران به این نتیجه رسیدیم که مصاحبه با افراد

به صورت نیمه ساختار یافته، بهترین نوع مصاحبه جهت دستیابی به نتایج مطلوب در این مطالعه می‌باشد به این مفهوم که علاوه بر طراحی سوالات به افراد اجازه داده شد که مسائلی را که از نظر آن‌ها می‌توانست به نتایج تحقیق کمک کند ولی در سوالات مطرح شده آورده نشده بود را مطرح نموده و اطلاعات تکمیلی را در اختیار ما قرار دهند. به همین منظور سوالاتی طرح گردید که اهداف مسئله را بخوبی پوشش می‌داد. با استفاده از دو روش مصاحبه ما قادر بودیم که شرایط مصاحبه را بخوبی کنترل نماییم با مصاحبه شونده‌گان در تمامی بانک‌ها به تنهایی مصاحبه صورت گرفت. هر مصاحبه حدود یکساعت بطول انجامید مصاحبه‌ها در دفتر مسئولین انجام شد.

اعتبار

عمدتاً دو مقیاس جهت ارزش‌گذاری یک مطالعه وجود دارد که عبارتند از: اعتبار و قابلیت اطمینان. اعتبار یک مطالعه عبارت است از میزان ارتباط داده‌های جمع‌آوری شده با مسئله موجود و قابلیت اطمینان به این مفهوم است که تا چه حد داده‌های جمع‌آوری شده با واقعیت منطبق بوده و قابل استناد می‌باشند. باید توجه داشت که انطباق نتایج با واقعیت به انتخاب روش تحقیق مناسب و صحت داده‌های جمع‌آوری شده بستگی دارد. جهت اطمینان از صحت داده‌های جمع‌آوری شده در مورد سابقه عملیات اجرایی بانک‌ها، داده‌ها با مدیری که جهت مصاحبه انتخاب شده بودند چک گردید همچنین انتخاب روش مصاحبه حضوری با مدیران ارشد ریسک و مقایسه آن با اطلاعات موجود در مورد پیشینه بانک‌ها باعث افزایش اعتبار پایان‌نامه ما شد. در حقیقت مصاحبه نیمه ساختار یافته حضور با مصاحبه شونده‌گان عامل اطمینان داده‌های مطالعه است زیرا در این حالت مصاحبه شونده‌گان اطلاعاتی در اختیار ما قرار دادند که از بالاترین درصد صحت برخوردار بود. چهار فرد برای مصاحبه انتخاب شدند که با توجه به اینکه انتخاب افراد از مدیران ریسک بانک بودند این عامل کمبود تعداد افراد مصاحبه شونده را پوشش می‌دهد.

نتایج:

مصاحبه و یافته‌های داخلی بانک مسکن

در این بانک مصاحبه با مدیریت ریسک و رئیس گروه مرکزی کنترل ریسک صورت پذیرفت. بر طبق نظر ایشان با عنایت به امکان دسترسی به اطلاعات فراوان و حضور کارشناسان متخصص در زمینه مدیریت ریسک در خصوص حوزه‌های مرتبط با فعالیت‌های بانک مسکن هم‌اینک ریسک‌پذیری بانک نسبت به گذشته از افزایش قابل ملاحظه‌ای برخوردار شده است. ایشان در خصوص خسارت‌هایی که در گذشته به بانک وارد گردیده عنوان کردند که عمده خسارات وارد شده به بانک مسکن در حوزه مطالبات غیر جاری بوده است که از سبب دارایی‌های بانک خارج شده که علت این خسارات وارده، عدم ارزیابی صحیح مشتریان، عدم نظارت بر مصرف منابع و کنترل وصول مطالبات و ... بوده است که خود به نوعی گویای مدیریت نامطلوب در حوزه ریسک است. در بانک مسکن اداره کل مدیریت ریسک عهده دار کنترل ریسک است که در حوزه‌های مدیریت ریسک‌های اعتباری، نقدینگی، عملیاتی و ریسک تطبیق فعالیت دارد که عملکرد و اهداف بخش کنترل ریسک به ترتیب شناسایی، ارزیابی، کنترل، پایش ریسک و بهبود این حوزه می‌باشد. به طور کلی مدیریت ریسک به صورت یک فرهنگ در حال شکل‌گیری و اشاعه در سطح بانک است ولیکن تا کنون اعتباری جهت کنترل ریسک اختصاص داده نشده است. گروه‌های مدیریت ریسک در بانک مسکن بر چهار بخش ریسک اعتباری، ریسک نقدینگی، ریسک عملیاتی و ریسک تطبیق استوار است که عمده تمرکز این بانک بر ریسک اعتباری است و از آنجا که تامین نقدینگی ارزان و کاهش مطالبات در اولویت بانک هاست لذا حوزه اعتباری در وهله نخست و پس از آن حوزه نقدینگی اهمیت دارند. جهت اعتبار

سنجی مشتریان در بانک مسکن مدلی بومی برای مدیریت ریسک طراحی شده و در حال حاضر در سطح شعب بانک در حال استفاده است؛ و جهت اعتبار سنجی مشتریان حدود ۲۰ مقیاس ارزیابی تدوین شده است که با استفاده از آن و مدل طراحی شده، امکان ارزیابی اعتباری مشتریان فراهم شده است. پروسه ارزیابی و مدیریت ریسک در بانک مسکن به این شکل است که در حال حاضر فرایند مدیریت ریسک در تمامی حوزه ها به طور کامل انجام نمی شود و تنها در حوزه ریسک اعتباری ست که بر اساس مدل Run شده نسبت به ارزیابی و مدیریت ریسک اعتباری اقدام می گردد. به طور کلی تلاش بانک مسکن در حوزه مدیریت ریسک انطباق با رویه ها و ضوابط بانک مرکزی است و بانک یک رویه اختصاصی در حوزه مدیریت ریسک ندارد. در حال حاضر بین بخش های مرتبط با ریسک ارتباطات مطلوبی در این بانک برقرار است که برگزاری جلسات مشترک، انجام کار به صورت گروهی، مشارکت در امور بانک و فعالیت های مبتنی بر ریسک مبین این موضوع است. ارتباط بین مدیریت ریسک با مدیریت ارشد بانک و سایر افراد فعال در این زمینه فراهم بوده و گزارشات مدیر ریسک به صورت ماهانه به مدیر ارشد بانک ارائه می گردد. طبق مصاحبه انجام شده مشخص گردید که بانک مسکن یک ساختار خاص برای گزارش بررسی های همه جانبه کارشناسان ارسالی به مدیریت ارشد وجود ندارد و بر حسب اقتضا نوع و فرم گزارشهای ارسالی به مدیریت ارشد متفاوت است و به طور کلی وجود یک ساختار خاص مستلزم وجود یک سیستم اطلاعات مدیریت است. در حال حاضر از انجایی که مدیریت ریسک بطور ۱۰۰٪ در بانک در قالب شرح وظایف خود عمل نمیکند لذا ارتباط بین بخش های کنترل مالی و بخش های ریسک در حد تعاملات جاری استمگر اینکه مدیریت ریسک تا اندازه ای قوی شود که نتایج گزارشهای آن موجب ایجاد کنترل های مالی گردد. طبق مطالعات انجام شده از دید مدیر ریسک بانک مسکن نتایج و آثار مدیریت ریسک در تصمیمات سازمان از اهمیت بسزایی برخوردار بوده و در حال حاضر از نتایج موجود در مدیریت تصمیمات سازمان استفاده می گردد. از انجاییکه مقوله مدیریت ریسک بصورت یک پدیده جدید در سطح شبکه بانکی تعریف و ایجاد شده است لذا مدیریت ارشد بانک نیز تا حدودی نسبت به مسائل آشنا هستند ولی هنوز تجزیه و تحلیل های مناسبی جهت شناسایی ریسک های احتمالی بانک و مهارت های کلیدی و تاثیر گذار بر شناسایی حوزه تجارت، به صورت کامل به وجود نیامده است. سیاست های هیات مدیره ریسک در قالب رهنمودهای که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ابلاغ شده است انجام می گردد ولی یک بررسی جامع سالانه به منظور اطمینان از صحت امور راهبردی بانک در راستای قوانین کنترل ریسک توسط هیات مدیره انجام نمی شود. در بانک مسکن پروسه ایی برای تعیین اهداف استراتژیک وجود دارد که بخش هایی به صورت برنامه های در فواصل کوتاه مدت تقسیم شده است که تعیین این بخش ها به صورت قراردادی است که این بخش ها به بررسی تغییرات محیط کسب و کار پرداخته و نتایج حاصل از بررسی های آن ها در برنامه استراتژیک بانک مسکن تاثیر گذار خواهد بود. تمهیداتی نیز برای بررسی ریسک ها یا خطرات احتمالی از طرف مشتریان (به عنوان مثال تکیه بر سیستم IT و ...) نیز در تاریخ ۴ اردیبهشت ۹۲ از سوی مدیر ریسک به مدیر ارشد ارائه گردیده است. مدیریت ارشد معمولاً از طریق نظارت غیر مستقیم همه جنبه های فعالیت بانک را بطور موثر جهت کنترل ریسک های احتمالی انجام می دهد و عملکرد سازمان را از طریق کسب گزارش های مدیریتی مورد سنجش و ارزیابی قرار می دهد و چنانچه ریسکی متوجه حوزه ای از فعالیت های بانک باشد تا حصول نتیجه پیگیری و اقدامات لازمه را انجام می دهند.

رویکرد بانک مسکن نسبت به قوانین بازل

بانک مسکن عمدتاً قوانین بازل I را کنترل می کند ولی بانک هنوز به دلیل وجود بازل II و عدم ترجمه بازل III و همینطور وجود قوانین دست و پا گیر و سایر محدودیت ها نتوانسته است قوانین مزبور را به طور کامل پیاده سازی نماید ولی از نظر مدیران این بانک پیروی از قوانین بازل و همچنین دارا بودن یک برنامه استراتژیک و دنبال کردن هر دو می تواند بانک را در

تحقق اهدافش یاری رساند؛ که البته سازو کارهای سنتی بانک، عدم وجود یک زیر ساخت اطلاعاتی مناسب، COVER banking و پیاده سازی برخی از قوانین اعم از تسهیلاتی، سپرده ای و؛ و نیز قوانین بازل که هنوز به طور کامل ترجمه و بومی سازی نشده است خود از محدودیت های پیاده سازی قوانین بازل در بانک ها هستند.

جمع بندی مصاحبه بانک مسکن

هدف بانک مسکن توسعه کاربردهای فنون پیشرفته مدیریت ریسک می باشد. با وجود اینکه تاکید بر بررسی و ارزیابی مستمر فنون استفاده شده در مدیریت ریسک برای بانک مسکن از اهمیت ویژه ای برخوردار است و اعتقاد مدیران این بانک بر این است که کاربردهای فنون مدیریت ریسک هزینه ها یا میانگین ضررهای مورد انتظار را کاهش می دهد ولی با این حال به دلیل عدم درک مشترک از ریسک و مدیریت ریسک در بانک و عدم تعیین مسئولیت مدیریت ریسک، پاسخگویی برای مدیریت ریسک در بانک به روشنی تعیین نشده و درک درستی از آن حاصل نگردیده است.

مصاحبه و یافته های داخلی بانک توسعه تعاون

در این بانک با رئیس اداره ریسک مصاحبه صورت پذیرفت که از نظر ایشان مدیریت ریسک یک مفهوم تدوین شده و مشخص نمی باشد و وابستگی مستقیمی با خواست مدیریت و انتظارات ایشان دارد و به طور کلی یک مفهوم مدیریتی از آن برآمده و از لحاظ اجرایی به آن توجه خاصی نمی شود و نگرش به مدیریت ریسک در این بانک تاکنون به صورت یک نگرش صرفاً مطالعاتی و پژوهشی بوده است. بانک توسعه تعاون از گذشته تا کنون در سرمایه گذاری های مخاطره انگیز به منظور کسب درآمد بالاتر شرکت نموده است ولی در کل عدم توجه به ریسک های اعتباری و عملیاتی از جمله مشکلات حاکم در این بانک است به طوری که در سال ۱۳۹۲ بانک با سطح بالایی از ریسک های عملیاتی مواجه بوده و ریسک نقدینگی علی رغم وجود منابع متحمل شده است که قطعاً اجرای کامل مدیریت ریسک در کاهش ریسک هایی که از گذشته تا کنون در بانک اتفاق افتاده است تاثیر گذار می باشد. قبلاً گروههای مدیریت ریسک در بانک وجود نداشت و صرفاً دایره ای تحت عنوان دایره ریسک مشغول بکار بود ولی اخیراً اداره مستقل ریسک در چارت سازمانی بانک قرار گرفته است که به شرط تامین نیروی انسانی کافی و ابزار مناسب به منظور عهده دار شدن مسئولیت بررسی و کنترل ریسک اجرایی خواهد گردید ولی تاکنون اعتباری به آن تعلق نگرفته است. تاکنون عملکرد بخش کنترل ریسک در حد کنترل نسبت های نقدینگی و کفایت سرمایه بوده است و اهداف آن در ابتدا ارتقا سطح دانش فنی کارشناسان و سپس تجهیز ابزاری خود می باشد. در بانک توسعه و تعاون از بین ریسک های موجود توجه ریسک عملیاتی از جمله حوزه های مهم کنترل ریسک عنوان شده است. این بانک برای مدیریت ریسک یک مدل اختصاصی طراحی نکرده و تنها از روش های قدیمی و اکتسابی استفاده می نماید و مقیاس های کنترل ریسک در حد نسبت های نقدینگی، نسبت کفایت سرمایه و نسبت تسهیلات غیر جاری می باشد. پروسه ارزیابی ریسک به این شرح است که ابتدا به صورت دوره ای این نسبت ها محاسبه شده و سپس اطلاع رسانی می گردد که غالب کارها در این خصوص خارج از کارهای اجرایی بوده و بطور پژوهش محور انجام می شده است. در حال حاضر بانک توسعه تعاون نسبت به برآورد نیاز نقدینگی در حال تدوین رویه اختصاصی است ولی در سایر حوزه های مرتبط با ریسک از رویه های ابلاغ شده توسط بانک مرکزی تبعیت می کند. تاکنون هیچ فرایند و پروسه تدوین شده و سازمان یافته ای برای ارتباط بین بخش های مرتبط با ریسک وجود نداشته ولی اخیراً کمیته هایی از جمله کمیته منابع و مصرف و ... به این منظور شکل گرفته است. گزارشات حاصل از فعالیت بخش های مختلف بررسی ریسک به عضو ناظر فعالیت هیات مدیره ارسال می گردد اما یک ساختار خاص برای گزارش بررسی های همه جانبه کارشناسان در زمینه شناسایی ریسک

های موجود به مدیریت ارشد وجود ندارد و ارتباط بین بخش های کنترل مالی و بخش های ریسک صرفاً از طریق ارسال گزارشات جهت بررسی و همچنین برگزاری برخی جلسات مشترک صورت می پذیرد. با وجود اینکه تیم مدیریت ارشد بانک از تجربه و تخصص کافی برخوردار می باشد که این امر موجب تغییر در چارت سازمانی بانک به منظور گنجاندن اداره ریسک و انتخاب افراد شایسته به منظور فعالیت در این حوزه شده است ولی تاکنون مدیریت ریسک تاثیر بسزایی در تصمیمات مدیریت ارشد در بانک توسعه تعاون نداشته است اگرچه هیات مدیره سیاست هایی شامل استقرار واحد مستقل مدیریت ریسک، تشکیل کارگروه های تخصصی، تشکیل کمیته های منابع و مصارف و سایر کمیته های استقرار سامانه های گزارشی و... را به منظور شناسایی خطرات احتمالی در پیش گرفته است. تاکنون هیات مدیره این بانک یک بررسی جامع سالانه به منظور اطمینان از صحت امور راهبردی بانک در راستای قوانین کنترل ریسک نداشته است ولی در حال تدوین یک برنامه جهت استقرار مدیریت های ارزیابی می باشند. بانک دارای یک پروسه برای تعیین اهداف استراتژیک است که به بخش هایی به صورت برنامه هایی در فواصل کوتاه تقسیم شده است که برنامه ها به صورت سالانه تدوین می گردد و ارزیابی ها نیز تاکنون به صورت سالانه بوده است اما در حال تدوین و برنامه ریزی جهت استقرار مدیریت های ارزیابی دوره ای و اصلاح برنامه می باشند. در این خصوص بررسی ریسک های احتمالی از طرف مشتریان (به عنوان مثال تکیه بر سیستم II) به صورت یکپارچه وجود ندارد ولی ریسک های موجود در هر بخش تا حدی بررسی می گردد. با استقرار اداره مستقل مدیریت ریسک، این اداره موظف است به عنوان نماینده مدیرعامل بر امر ریسک نظارت کند ولی به دلیل نوپا بودن این اداره، هنوز فعالیت خاصی به منظور کنترل همه جانبه ریسک های احتمالی در حوزه های مختلف فعالیتبانک صورت نگرفته است.

رویکرد بانک توسعه تعاون نسبت به قوانین بازل

استقرار قوانین بازل I مبتنی بر آنچه بانک مرکزی درخواست می نماید صورت گرفته ولی تاکنون اقدامی جهت اجرایی شدن قوانین بازل II و بازل III صورت نگرفته است که یکی از مشکلات بانک در پیاده سازی قوانین بازل گزارشات آماری و پایگاه داده ها در این حوزه می باشد و مشکل دیگر عدم وجود نیروی انسانی کافی و متخصص و عدم وجود یک همت سازمانی می باشد؛ البته در این بانک اعتقاد بر این است که تنها پیروی از قوانین بازل برای رسیدن به اهداف سازمان کافی نبوده و استقرار اداره مستقل ریسک به منظور گذر از پیمان بازل و استقرار روش های خودارزیابی و پیشرفته می باشد.

جمع بندی مصاحبه بانک توسعه تعاون

هدف این بانک توسعه کاربردهای فنون پیشرفته مدیریت ریسک می باشد که بکارگیری این فنون هزینه ها یا میانگین ضررهای احتمالی را کاهش می دهد ولی به طور کلی درک مشترکی از ریسک و مدیریت ریسک در این بانک وجود نداشته و مسئولیت مدیریت ریسک به روشنی تعیین نشده است.

مصاحبه و یافته های تجربی در بانک آینده

در این بانک با ریاست اداره مدیریت ریسک و مبارزه با پولشویی مصاحبه گردید که ایشان مدیریت ریسک در بانک خود را بکارگیری منابع مدیریتی و اطلاعاتی به منظور شناسایی و ارزیابی ریسک به منظور اقدام در جهت کنترل ریسک های مترقب دانسته و عنوان کردند که نگرش به مقوله مدیریت ریسک یک دیدگاه از بالا به پایین می باشد به این معنی که

مدیریت ارشد می‌بایست اهمیت این مقوله را در تصمیم‌گیری‌ها درک نموده که در این بانک این نکته مورد توجه قرار گرفته است و مدیریت ارشد این بانک به منظور دستیابی به فضایی امن برای تصمیم‌گیری‌ها حتماً به مدیریت ریسک‌های پیش‌روی بانک توجه ویژه مبذول می‌دارند. از گذشته تا کنون بانک ریسک‌پذیر بوده و در حال حاضر نیز تقریباً در همین سمت و سوی می‌باشد که گزارش‌های ریسک در اختیار مدیریت ارشد بانک قرار داده شده و تصمیمات اتخاذ شده توسط مدیریت ارشد با توجه به گزارشات حاصل از مطالعات ریسک صورت می‌پذیرد. در بانک آینده مدیریت ریسک‌های پیش‌روی بانک اعم از ریسک نقدینگی، عملیاتی، اعتباری و بازاری در اداره مستقلی تحت عنوان اداره مدیریت ریسک و مبارزه با پولشویی زیر نظر مستقیم مدیر عامل صورت می‌پذیرد. رویکرد مدیریت ارشد بانک تصمیم‌گیری بر مبنای اطلاعات موجود در گزارشات مدیریت ریسک می‌باشد لذا مدیریت ارشد بانک گزارشات مدیریت ریسک را بطور ماهانه، فصلی و موردی طلب می‌نماید. مدیریت ریسک در بانک آینده به ترتیب به چهار گروه ریسک اعتباری، نقدینگی، عملیاتی و بازاری تقسیم‌بندی می‌شوند بخش کنترل ریسک بر مبنای اصل سه‌گانه در استراتژی مواجهه با ریسک سعی در اغماض، اجتناب و پذیرش ریسک‌های پیش‌رو دارد که در حالت سوم ریسک مورد نظر یا انتقال می‌شود یا کاهش می‌یابد. مدل مورد استفاده در مدیریت ریسک در بانک آینده مدل مدیریت یکپارچه ریسک (ERM) (Enterprise Risk Management) است که در قالب این مدل کلی برای مدیریت هر ریسک نیز به طور مجزا از مدل‌ها و تکنیک‌های آماری پیشرفته بین‌المللی استفاده می‌شود به عنوان مثال برای مدیریت ریسک اعتباری از مدل بین‌المللی بعلاوه credit risk و در رتبه‌بندی مشتریان اعتباری از مدل‌های هوش مصنوعی و آمار ریاضی استفاده می‌شود. مقیاس‌های کنترل ریسک در این بانک معیارهای موجود در دستورالعمل‌ها و کمیته نظارتی بازل یعنی بازل II و بازل III می‌باشد که این مقیاس‌ها شامل نسبت کفایت سرمایه، شاخصه‌های ریسک عملیاتی، نسبت پوشش نقدینگی، نسبت تامین مالی پایدار و شاخص ریسک شعب (طراحی شده در بانک آینده) می‌باشد. در بانک مذکور پروسه ارزیابی و مدیریت ریسک به این صورت است که ابتدا ریسک‌های ناشی فعالیت‌ها و عملیات و همچنین منابع ملموس و غیر ملموس برای مواجهه با آنها شناسایی شده سپس اندازه‌گیری و ارزیابی ریسک‌ها، تصمیم‌گیری در مورد ریسک و نظارت و بازخورد گرفتن از اقدامات اصلاحی صورت می‌گیرد. در بانک آینده به صورت دوره‌ای گزارشات مربوط به نسبت کفایت سرمایه را به بانک مرکزی ارسال می‌گردد اما به صورت داخلی به این مورد اکتفا نکرده و سعی بر مدیریت ریسک بانک بر اساس رهنمودهای بازل II و III دارد. با عنایت به ایجاد فرهنگ مدیریت ریسک در بانک آینده از سوی مدیریت ارشد بانک، ارتباط بین بخش‌های مرتبط با ریسک به سهولت صورت می‌پذیرد از بخش‌های مرتبط با اداره ریسک بانک آینده می‌توان به مدیریت امور مالی واحد بین‌الملل، معاونت بانکداری الکترونیکی، مدیریت امور اعتباری و مرکز مطالعات و تحقیقات بازار اشاره نمود. نتایج حاصل از مدیریت ریسک به این صورت است که بر اساس چارت سازمانی طراحی شده برای اداره ریسک، گزارشات مدیریت ریسک به طور مستقیم به دست مدیریت ارشد بانک رسیده تا آن‌ها را از مخاطرات پیش‌رو آگاه کرده و زمینه را برای تصمیم‌گیری آگاهانه آماده نماید. به طور کلی یک خط گزارش‌دهی مشخص بین اداره ریسک و مدیریت ارشد برای گزارش‌دهی ریسک‌های پیش‌روی بانک وجود دارد و به مرور زمان ساختار مشخصی برای گزارشات مدیریت ریسک شکل گرفته که این ساختار حاصل نقطه نظرات کارشناسان متعددی است که از سوی مدیریت ارشد گزارشات مدیریت ریسک به منور اظهار نظر برای آنان ارسال می‌گردد. ارتباطات بین بخش‌های کنترل مالی و بخش‌های ریسک از طریق مدیریت ارشد برقرار می‌شود به این صورت که واحد ریسک به مدیریت ارشد گزارش داده و واحد مالی در تصمیم‌گیری‌های خود نظرات مدیریت ارشد را جویا شده و لحاظ می‌نماید. مدیریت ارشد بانک آینده از نگرش جامع و صحیحی نسبت به ریسک‌های پیش‌روی نظام بانکی برخوردارند و بر حسب مورد گزارشات ارسالی اداره مدیریت ریسک را مورد ممیزی قرار داده و بازخوردهای مناسب با زمینه‌های تحقیقاتی بیشتر برای این اداره فراهم می‌آورد. هیات مدیره بانک نیز با استفاده از ابزار در

اختیار که همان کمیته ریسک بانک می باشد به طور منظم فرایندهای مدیریت ریسک را مورد ممیزی و اصلاح قرار داده و نقطه نظرات خود را نسبت به گزارشات تهیه شده یا گزارشات موردی مورد درخواست خود نیز را به اداره مدیریت ریسک ارسال می دارند. ساز و کار موجود به ممیزی فرایندهای جاری و راهبردی بانک هر ساله در کمیته های هیات مدیره یا اداره مشترک با اداره بهسازی فرایندهای تجاری، اداره مدیریت ریسک، نمایندگان هیات مدیره و مدیریت ارشد و نمایندگان واحدهای موجود شکل می گیرد. به منظور بررسی ریسک های احتمالی از طرف مشتریان (به عنوان مثال تکیه بر سیستم IT و ...) بانک از طریق سامانه ریسک عملیات خود که یک بستر آنلاین می باشد در سطح شعب اقدام به جمع آوری اطلاعات مربوط به تقلبات خارجی (یک مورد آن مربوط به مشتریان) می پردازد و سعی در ارزیابی ریسک عملیاتی از طریق شناسایی زیان های عملیاتی ناشی از این اقدام و بررسی راهکارهای از بین بردن یا کاهش این زیان ها دارد. به طور کلی در اجرایی کردن اقدامات اساسی، ریسک های مترقب به طور مداوم مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته و در اتخاذ تصمیمات مورد استفاده قرار می گیرد.

رویکرد بانک آینده به قوانین بازل

بانک آینده از همان ابتدای تاسیس با تشکیل اداره مدیریت ریسک رویکرد پیاده سازی صحیح رهنمودهای کمیته نظارتی بازل در سطح بانک را دنبال می کرد امروزه به جرات می توان بیان کرد که قوانین و دستورالعمل بازل II و بازل III در سطح بانک پیاده سازی و اجرا گردیده است. البته قطعاً بانک تنها پیروی از قوانین بازل را برای رسیدن به اهدافش کافی نمی داند و همواره در همان دستورالعمل های بازل نیز اشاره می شود که بین دستورالعمل های حداقل الزامات (minimum requirement) می باشند. در اداره مدیریت ریسک بانک آینده سعی در طراحی شاخصه ها و مدیریت حدود متناسب با ساختار بانک داشته و هر جا احساس نیاز نماید اقدامات خود را مبذول خواهد داشت. بیشترین مشکل در پیاده سازی قوانین بازل عدم توجه به مقوله مدیریت ریسک در سطح نظام بانکی و نداشتن متولی مشخص است که منجر به عدم فراگیر شدن این مهم می گردد تا زمانی که قوانین به صورت رسمی به نام بانکی کشور ابلاغ نگردد و در قبال پیاده سازی آن مسئولیت گزارش دهی در خواست نشود، قوانین مذکور در سطح همان رهنمود باقی مانده و استفاده درستی از آن نمی شود.

جمع بندی مصاحبه بانک آینده

هدف بانک توسعه کاربردهای فنون پیشرفته مدیریت ریسک است؛ بکار بردن عالمانه ترین فنون در مدیریت آن لازم می باشد که بکارگیری این فنون سبب کاهش هزینه های میانگین ضررهای مورد انتظار می گردد. تاکید بر بررسی و ارزیابی مستمر فنون استفاده شده در مدیریت ریسک برای بانک بسیار حائز اهمیت است و خوشبختانه درک مشترکی از ریسک و مدیریت ریسک در بانک وجود دارد و مسئولیت ها در این حوزه به روشنی تعیین شده است.

مصاحبه و یافته های تجربی در بانک توسعه صادرات

در این بانک با کارشناس با تجربه در بخش های تخصصی سیستم بانکی از جمله اعتبارات، سازمان و روش ها، اداره مدیریت ریسک و بخش R&D مصاحبه صورت گرفت. از نظر ایشان مدیریت ریسک در بانک توسعه صادرات در چارچوب شناسایی، گزارش دهی و کنترل ریسک های مبتلا به بانک به ویژه ریسک های اعتباری و بازار، نقدینگی و عملیاتی قرار می گیرد از

سوی دیگر در برخی از بخش‌ها ی بانک به ویژه مدیریت اعتبارات، مدیریت ریسک به صورت سنتی و ضمنی توسط واحدهای مربوطه صورت می‌گیرد. در بانک توسعه صادرات نگرش‌های مختلفی نسبت به مدیریت در سازمان وجود دارد به این صورت که برخی بر این باورند که به دلیل بالا بودن احتمال ریسک در فعالیت‌های بانک عملاً مدیریت ریسک باید جز لاینفک فعالیت‌هایی باشند و برخی دیگر نیز مدیریت ریسک در شرایط کنونی را دست و پا گیر می‌دانند. این بانک بطور بالقوه ریسک پذیر است و با گذشت زمان این ریسک پذیری افزایش یافته است که با این روند صعودی ریسک پذیری سبب افزایش خسارات وارده به بانک شده است علاوه بر شرایط محیطی فعالیت بانکی و اقتصادی، عدم مدیریت صحیح ریسک را می‌توان از دلایل افزایش این خسارات ها قلمداد نمود. مدلسازی ریسک در بخش تحقیقات بانک صورت پذیرفته و بررسی در بخش برنامه ریزی، لیکن در حال حاضر واحدی متولی کنترل ریسک در بانک نیست. در بانک مذکور هیچ گونه اعتباری به منظور حمایت از گروه‌های بررسی کننده تغییرات محیط کسب و کار و مدیر ریسک اختصاص داده نمی‌شود. از میان ریسک‌های موجود ریسک اعتباری در بانک توسعه صادرات از اهمیت بالاتری برخوردار است ولی به طور کلی بخشی برای کنترل ریسک در بانک وجود نداشته و مدلی یکپارچه برای ریسک وجود ندارد لیکن برای ریسک اعتباری و همچنین مدیریت پورتهوی ریسک اعتباری مدل CR+ استفاده می‌شود. مقیاس‌های کنترل ریسک در بانک به این صورت است که در رابطه با ریسک اعتباری شاخص‌های ریسک اعتباری پورتهوی در مدل VAR (ارزش در معرض خطر) و همچنین ریسک تمرکز مورد استفاده قرار می‌گیرد ولی فرایند مدون و تصویب شده‌ای برای پروسه ارزیابی و مدیریت ریسک در این بانک تعریف نشده است و در سه حوزه ریسک اعتباری، بازار و عملیاتی از الگوهای کمیته بازل (بازار II) استفاده می‌شود. هر چند متأسفانه بانک مرکزی برای اینسه ریسک الگوی مدونی ارائه نداده است. نتایج حاصل از مدیریت ریسک صرفاً به صورت گزارش ریسک پورتهوی اعتباری به طور مرتب در اختیار واحدها و مدیران ذیربط قرار می‌گیرد و ارتباط با مدیریت نیز در قالب گزارش مزبور شکل گرفته است به طور کلی ساختار منسجمی برای بررسی همه جانبه ریسک وجود ندارد و گزارش‌های مربوطه فقط شامل رتبه بندی اعتباری مشتریان و گزارش ادواری ریسک پورتهوی اعتباری می‌باشد. بین بخش‌های کنترل مالی و بخش‌های ریسک ارتباطی وجود ندارد. هیات مدیره بانک سیاستی که به طور منظم فرایندهای مدیریت ریسک برای شناسایی خطرات احتمالی را بررسی کند، اتخاذ ننموده است و یک بررسی جامع سالانه به منظور اطمینان از صحت امور راهبردی بانک در راستای قوانین کنترل ریسک ندارد. پروسه‌ای برای تعیین اهداف استراتژیک وجود دارد که به بخش‌هایی به صورت برنامه‌هایی در فواصل کوتاه مدت تقسیم شده است و همچنین یک فرایند برای مدیریت اجرایی برنامه استراتژیک و اصلاح برنامه در پاسخ به تغییرات محیط کسب و کار که بر عملکرد و برنامه‌های بانک تاثیر گذار است وجود دارد. در زمینه بررسی ریسک‌ها یا خطرات از طرف مشتریان (به عنوان مثال تکیه بر سیستم IT و ...) تمهیدات مدونی وجود ندارد.

رویکرد بانک توسعه صادرات ایران به قوانین بازل

رویکرد بانک توسعه صادرات نسبت به قوانین بازل رویکرد بانک مرکزی است و عملاً آخرین بخش نامه‌های بانک مرکزی ناظر بر مقررات بازل است و این بانک در صورتی که برای فعالیت در بازارهای بین‌المللی نیازی به استاندارد اضافی نباشد پیروی از قوانین بازل برای رسیدن به اهدافش را کافی می‌داند. عمده ترین مسئله در زمینه پیاده سازی قوانین بازل محدودیت‌ها و نارسایی‌های سیستم بانکی در زمینه نقص مقررات و اطلاعات و همچنین نحوه انجام عملیات و تفاوت‌های قوانین بانکداری اسلامی با استانداردهای بانکداری متعارف است.

جمع بندی مصاحبه بانک توسعه صادرات ایران

به طور کلی درک مشترکی از ریسک و مدیریت ریسک در بانک وجود نداشته و مسئولیت مدیریت و همچنین پاسخگویی برای مدیریت ریسک به روشنی تعیین نشده است.

عقیده بانک های ایران در مورد استفاده از قوانین بازل در مورد مدیریت ریسک

یافته های حاصل از مطالعه چهار بانک ایران نشان داد که دیدگاه مثبتی در مورد قوانین بازل در بانک های مذکور وجود دارد و اعتقاد بر این است که درک این مقررات برای رسیدن به اهداف بانکداری لازم است ولی می توان گفت کافی نیست به عبارت دیگر مدیران ریسک در بانک های مورد مطالعه بر این باور بودند که قوانین بازل می تواند یک راهگشای کلی در مورد نحوه مدیریت ریسک باشد ضعف بازل قابل دید نبودن و مشکوک بودن بخش بانک داری و بازار است و تنها تبعیت از این قوانین جهت کنترل ریسک در بانک ها کافی نیست بلکه لازم است که بانک های هر منطقه با توجه به الگوی فعالیت خود و شرایط حاکم بر منطقه فعالیت، الگوهایی برای کنترل ریسک خود به صورت بومی طراحی نمایند تا به منظور کنترل هر چه بهتر شرایط مخاطره آمیز بتوانند با تبعیت از این الگوها شرایط را به بهترین نحو کنترل نمایند. به طور کلی مطالعات ما در این زمینه نشان داد که مدیریت ریسک در بانک های ایرانی تا حدودی تحت تاثیر قوانین بازل قرار دارد به این صورت که قوانین بازل I از طرف بانک مرکزی ترجمه شده و در اختیار بانک های مختلف قرار داده شده است ولی در اجرایی کردن قوانین بازل II و بازل III هنوز هم محدودیت های در اجرا وجود دارد بنابراین بانک های دولتی در حال حاضر تنها از قوانین بازل I استفاده می کند در حالی که بانک های خصوصی، علاوه بر بازل I و استفاده از قوانین بازل III را نیز در دستور کار خود قرار داده اند و تا حدی انطباق با قوانین بازل III را شروع کرده اند.

مطالعات ما شواهدی از آگاهی از ریسک فراگیر در مدیریت ارشد در بانک ها به عنوان هسته تصمیم گیری در تمام فعالیت های بانکی را نشان داد. همانطور که گفته شد در هر چهار بانک ایرانی مدیر ارشد از سطح بالایی از مدیریت ریسک برخوردار است و اجرایی کردن آن در دستور کار تمامی بانک ها قرار گرفته است که البته در این زمینه بانک های خصوصی از بانک های دولتی پیشی گرفته اند. از آنجایی که مدیر ارشد بانک ها هسته اصلی تمام تصمیمات بانکی است بنابراین اجرایی کردن این امر سبب می گردد تا در همه فعالیت ها مدیریت ریسک اعمال گردد. این واقعیت که استفاده از ERM به طور جامع در برنامه بانک های خصوصی جاری است نشان دهنده آگاهی بالای مدیر ارشد این بانک از مدیریت ریسک می باشد بانک های دولتی نیز در حال تدوین الگوهایی بومی برای کنترل ریسک خود هستند که تنها در بانک مسکن به مرحله اجرا رسیده و در سایر بانک های اجرایی شدن این الگوها در حال پیگیری است. آگاهی از ریسک در ساماندهی بانک ها بسیار حائز اهمیت است که در ان هیات مدیره مسئول نهایی ارزیابی خطرات احتمالی است. علاوه بر این می توان اشاره کرد که آگاهی از ریسک در چند سال اخیر به طور جامع مطرح شده است. در یک مورد از چهار بانک تمرکز مدیر ارشد بر مدیریت ریسک بالاتر بود.

بحران های مالی در سال های اخیر و مشکلاتی که بانک های مختلف در سال های گذشته به دلیل عواملی از جمله تحریم های اقتصادی، نوسانات نرخ ارز، نا آرامی در وضعیت اقتصادی، افزایش حجم معوقات بانکی و ... سبب افزایش هشجاری به ریسک ها و یا خطرات احتمالی در صنعت بانکداری ایران شده است که به نظر ما این افزایش سطح آگاهی از مدیریت ریسک و تلاش بانک ها به منظور استفاده از آن در تصمیمات خود، نتیجه ی یک مطالعه ی گسترده و جهانی به دست آمده از عواقب بحران مالی است به صورتی که بحران های مالی به گونه ایی تمامی بانک ها را تحت تاثیر قرار داده و این سبب شده

بانک ها طی این بحران ها به اهمیت مدیریت ریسک پی ببرند. همان طور که گفته شد تاکید روی ریسک کردن در بانکهای مورد مطالعه مشاهده شد. در گذشته افزایش حجم سرمایه گذاری ها به منظور رسیدن به حداکثر سطح سوددهی مورد توجه بود ولی امروزه با پیچیدگی های موجود در عرصه رقابت و بازار تنها افزایش حجم سود مطرح نیست و لازم است که ریسک های موجود در کنار سرمایه گذاری ها نیز مورد توجه قرار گیرد تا بانک ها با خطر ورشکستگی مواجه نگردند به عبارتی می توان گفت در صورت وجود جوی آرام بر اقتصاد منطقه و عدم وجود شرایط بحرانی ممکن بود که هیچ گاه بانک ها را ترغیب به ایجاد واحدهای مستقل ریسک نکرده و مدیریت ریسک همچنان در حد یک مفهوم باقی بماند بنابراین شرایط حاکم و بحران های مالی موجود سبب شد تا بانک ها بر این شدند تا روش مدیریت بحران را در سازمان هایشان تغییر دهند؛ در حال حاضر در اغلب بانک های ایران مدیریت ریسک به تازگی مورد توجه واقع شده و اجرایی کردن آن در واحدهای مستقل کنترل ریسک در دست اجراست ولی این روند باید تسریع گردد تا جایی که هر بانک کنترل کافی روی خطر ها و ریسک های موجود در منطقه را دارا بوده و حتی قادر به شناسایی این خطر ها در مراحل اولیه باشد به گونه ای که با هر گونه بحران بانک قادر باشد که با سرعت و اراده خود را از این شرایط بیرون کشد.

به طور کلی می توان گفت تلاش برای تدوین قوانین بازل III و اصرار بانک های جهانی برای تبعیت از این قوانین به منظور پیشبرد اهداف بانکداری در نتیجه بحران های مالی در صنعت بانکداری جهانی بوده است که به تدریج مطالعات گسترده جهانی سبب افزایش هشیاری مدیران در عرصه کنترل ریسک با استقرار واحدهای مربوطه بوده اند که البته همانطور که از نتایج مصاحبات برآمده است کمبود نیروهای متخصص و کارشناسان متبحر به مدیریت ریسک یکی از دلایل کند بودن اجرایی شدن فعالیت این سازمان هاست. در این زمینه باید توجه داشت که کارمندانی که در طول دوره ی خود شاهد چندین نوع از این بحران ها بوده اند به راحتی میتوانند علائم یک بازار در حال سقوط را تشخیص دهند؛ بنابراین استفاده از چنین کارمندان با تجربه ای بسیار مهم است.

مطالعات گسترده ی جهانی نیز افزایش این هشیاری را در سازمان های کنونی شاهد بودند و ما میدانیم که این نیز نتیجه وقوع بحران مالی بود در اس ای بی به حضور یک نوع پاندول چرخشی اشاره شده و گفته شده که در مرحله ی رشد تمرکز بیشتر ی روی نتایج و سود است و در نتیجه توجه بسیاری روی میزان بازگشت هزینه ها صورت میگیرد در حالی که در زمان پایین بودن میزان رشد و تولید تجاری بیشتر توجه متوجه موفق بودن ریسک ها بوده است این اعتقاد وجود دارد که در زمان معین یک توازن بین این دو روش ایجاد خواهد شد اما سوال این است که آیا بانک ها در چنین موقعیتی به این نتیجه رسیده اند یا اینکه تحت تاثیر موقعیت زمانی بوده اند اما تاریخ ثابت کرده که بانک ها مثل بسیاری از موسسات دیگر تحت تاثیر نوسانات اقتصادی بوده اند و نتوانسته اند در زمان اوج و افول دوام بیاورند. بعضی از بانک ها دید گسترده ای در پیشگویی حوادث و انتظارات آینده ندارند

به نظر ما یکی از دلایل عدم وجود دیدی گسترده تقاضای سهام داران است، چرا که این امر فشار بیشتری روی کادر قرار میدهد و آن ها را مجبور میکند برای بدست آوردن سود و نتایج بیشتر وارد شرایط ریسک پذیر شوند اما مدیران قوی معمولا این سیگنال های هشدار را نادیده میگیرند با این همه، همه ی بانک ها تحت تاثیر شرایط زمانی نیستند. ما در چها بانک بررسی شده به این نتیجه رسیدیم که یک دیدگاه کیفی نسبت به ریسک ها وجود دارد تمام بانک ها اعتقاد دارند که کیفی گرایی باعث توجه بیشتر به ریسک های احتمالی میشود ما نیز معتقدیم که هر روشی که توجه به ریسک را بیشتر کند روش مطمئنتری برای مدیریت بحران محسوب میشود.

اما ما متوجه یک مشکل با کارمندانی که فقط به ریسک ها توجه میکنند شده ایم معمولا این ها دو حقیقت عمده را فراموش میکنند: تمام دنیا را به سختی میتوان به یک مدل مجزا تبدیل کرد و هر ریسکی یک نتیجه سازنده به دنبال دارد

در بعضی از شرایط ریسک‌ها کاملاً از دید ما مخفی می‌باشند اما سوال این است که آیا مدیران میدانند که کیفی‌گرایی تنها روش نیست هر چند که شرایطی وجود دارد که کیفی‌گرایی حیاتی و کافی برای جلوگیری از ضرر و زیان‌ها است. در کل این روش برای ریسک‌های اعتباری قابل استفاده است یعنی وقتی که بررسی کیفیتی هر مشتری بسیار پر هزینه و زمان‌بر خواهد بود. در بخش آنالیزها یک دیده‌ی نسبتاً مثبتی نسبت به سیستم متعادل سازی بازل وجود دارد. ما معتقدیم استفاده از قوانین جدید بازل البته با در نظر گرفتن شرایط منطقه‌ای سبب بهبود بانک‌های ایران میشوند که چهار بانک مورد نظر ما با این روش موافق بودند.

بانک آینده تا به حال از تمامی مفاد لازم در بازل بهره‌برده است و حال که در صدر این چهار بانک قرار دارد سه بانک دیگر نیز تصمیم به بهبود مدیریت بحران گرفته‌اند؛ با توجه به میزان بحران اقتصادی نیاز به تغییرات برای قوی کردن بحران مدیریت است.

بررسی نتایج حاصل از مدیریت ریسک در هر یک از سازمان‌ها و اختلاط نتایج حاصله برای هر سازمان سبب شد تا نتایج استفاده از این دیدگاه در هر یک از سازمان‌ها تشخیص داده شود و خلاءهای موجود برای هر سازمان بصورت جداگانه مشخص گردد. نتایج حاصل از مطالعات در این زمینه برای هر یک از سازمان‌های مورد بررسی، منجر به این یافته شد که استفاده از مدیریت ریسک برای همه سازمان‌ها مورد نیاز است و به طور کلی باتوجه به برخی از مشکلات موجود نیاز به تقویت مدیریت بحران وجود دارد البته باید توجه داشت که این بحث‌ها برای هر سازمان باید تنظیم شده با اهداف سازمانی باشد به این مفهوم که هر سازمان با توجه به اهداف و فعالیت‌های خود باید قوانین مربوط به مدیریت ریسک را تنظیم نماید تا بهتر بتواند سازمان را به سمت اهداف خود سوق دهد که در این زمینه آگاهی مدیران ارشد از مدیریت ریسک با توجه به نقش بسیار مهم خود در اتخاذ تصمیمات مختلف سازمانی و اجرایی کردن آن‌ها بسیار حائز اهمیت است که خوشبختانه در سالهای اخیر این دید در بین مدیران ارشد بانک‌های مختلف ایجاد شده است.

اقداماتی که به منظور بهبود تقویت فعالیت کنترل ریسک در بانک‌ها باید انجام داد:

اعضای هیئت مدیره:

اعضای هیئت مدیره باید با مدیران ارشد درباره مدیریت ریسک به بحث و تبادل نظر بپردازند و پایشگری‌های لازم را انجام دهند. هیئت مدیره باید با بکارگیری مکانیسم‌های مدیریت ریسک، نسبت به فراهم آوردن مبنایی جهت ارزیابی ریسک‌های با اهمیتی که با راهبردها و اهداف واحد تجاری مرتبط هستند، اطمینان حاصل نمایند و آنچه را که مدیریت باید انجام دهند و چگونگی دخالت در امر پایشگری بر مدیریت ریسک را تعیین نمایند. هیئت مدیره باید به دنبال استفاده از حساب‌برسان داخلی، حساب‌برسان مستقل و مشاوران باشد.

مدیریت ارشد: این مطالعه پیشنهاد می‌کند مدیر عامل باید به ارزیابی توانمندیها و ظرفیت مدیریت ریسک بپردازد. با استفاده از این چارچوب، مدیر عامل همراه با سایر مدیران ارشد اجرایی مالی و عملیاتی می‌تواند به موارد لازم توجه بیشتری نماید. براساس یک رویکرد، مدیر عامل می‌تواند با مدیران اصلی تجاری و عملیاتی خود به بحث و بررسی درباره ارزیابی اولیه‌ی اثر بخشی و توانمندی مدیریت ریسک بپردازد. طی این ارزیابی اولیه، باید درباره تعیین اینکه آیا نیاز به فرآیندهای جدید وجود دارد یا خیر، تصمیم‌گیری شده و نیز چگونگی ایجاد آنها مورد بررسی قرار گیرد. مدیریت ارشد باید از فرآیند پایشگری مستمر نیز اطمینان حاصل نماید. زمان صرف شده جهت ارزیابی مدیریت ریسک، بیانگر نوعی سرمایه‌گذاری است که قابلیت فراهم آوردن بازده بسیار بالایی را دارد.

مدیر ریسک:

مدیر ریسک که در برخی سازمانها به عنوان رئیس اداره ریسک یا مدیر ریسک اطلاق می شود با سایر مدیران در تعامل است تا در حوزه مسوولیتی آنها، مدیریت ریسک اثربخش را پیاده سازد. بدین ترتیب مدیر ریسک با همکاری و کمک مدیر اجرایی، میتواند اثر مدیریت ریسک را در شعب، فعالیتهای کسب و کار، قسمتها، عملکردها و سایر فعالیتهای نمایان سازد. علاوه بر این، مدیر ریسک مسوولیت دارد تا بر فرآیندها پیشگیری داشته باشد و سایر مدیران را در جمع آوری اطلاعات مربوط به ریسک و گزارش آن به مقامات بالاتر و سایر بخشهای واحد تجاری یاری رساند. مدیر ریسک میتواند بعنوان یک کانال گزارشگری مکمل نیز فعالیت کند. درک اصلی و کفایت تجربه در بکارگیری مدیریت ریسک میان مدیران ریسک و دیگر کارکنان عالی رتبه به بهره گیری کافی مدیریت ریسک مدیریت ارشد و سایر اعضا هیات مدیره بستگی دارد. از دیدگاه مدیران ریسک در صورتی عملکرد سازمان موثر و رضایت بخش خواهد بود که در تصمیم گیری های سازمانی نقش داشته باشند که این مستلزم وجود ارتباطات یکپارچه و گسترده ای بین مدیر ارشد و مدیر ریسک است بنابراین نیاز به افزایش سطح دخیل کردن یا در نظر گرفتن مدیریت ریسک در بانک های ایران احساس می گردد.

فهرست منابع

۱. باقر پور، م. ع، جهانبانی، م، ظفرزاده، س. (۲۰۱۲) ارائه مدل تجربی برای پیاده سازی و بکارگیری حسابرسی داخلی مبتنی بر ریسک در ایران. دهمین همایش ملی حسابداری ایران.
۲. سلیمانی، م، ۱۳۸۸، اهمیت مدیریت ریسک در بانکداری سنتی و الکترونیک، بانک ملی، اداره امور واحدهای خارج از کشور.
۳. عقیلی کرمانی، پ، ۱۳۸۱، مدیریت ریسک در بانکداری سنتی در مقایسه با بانکداری بدون ربا، مجموعه مقالات سیزدهمین همایش بانکداری اسلامی، تهران: موسسه آموزش بانکداری ایران.
۴. کدخدایی، ح، ۱۳۷۹، پدیده ریسک در بانکداری اسلامی، مجموعه مقالات سیزدهمین همایش بانکداری اسلامی، تهران: موسسه عالی آموزش بانکداری ایران.
5. Albrecht, P. and Maurer, R, (2008). 'Investment- und Risikomanagement', Schäffer-Poeschel Verlag, Stuttgart.
6. Anastasov, Y. and Mateev, M, (2010). 'Determinants of small and medium sized fast growing enterprises in central and eastern Europe: a panel data analysis, *Financial Theory and Practice*, 34 (3), pp. 269-295.
7. Angelini, E; di Tollo, G. and Roli, A, (2008). 'A neural network approach for credit risk evaluation', *The Quarterly Review of Economics and Finance*, 48, 733-755.
8. Armeanu, D. and Bălu, F. O, (2013). 'Using Quantitative Data Analysis Techniques for Bankruptcy Risk Estimation for Corporations', *Theoretical and Applied Economics*, vol. 3:97-112.
9. Baetge, J, (2014). 'Beurteilung des Fortbestandsrisikos auf Basis der modernen Jahresabschlußanalyse', in Scheer, A. W, 'Electronic Business und Knowledge Management - neue Dimensionen für den Unternehmenserfolg', Physica-Verlag, Heidelberg.
10. Bagchi, S. K, (2004) *Defining Risk and Credit Risk Management*, Gylan A. Holton, p.123.

11. Balcaena, S. and Ooghe, H, (2006). '35 years of studies on business failure: an overview of the classic statistical methodologies and their related problems', *The BritishAccounting Review*, 38, 63–93.
12. Basel committee in Banking Supervision. (2006) *International Convergence of Capital Measurement and Capital Standards- A Revised Framework, Comprehensive Version*.
13. Behr, P. and Güttler, A, (2007). 'Credit Risk Assessment and Relationship Lending:An Empirical Analysis of German Small and Medium-Sized Enterprises', *Journal ofSmall Business Management*, 45(2), 194–213.
14. Bessis, J. (2010) *Risk Management in Banking*. Chichester; Johan Wiley and Sons, Ltd.
15. Boutellier, R, Fischer, A. and Montagne, E. and (2009). 'Implementierung von qualitativem Risikomanagement in KMU - Erfahrungsbericht eines wissenschaftlich fundierten management-Instruments' in Meyer, J. A. (2009): 'Mangement-Instrumentein kleinen und mittleren Unternehmen'. Josef Eul Verlag GmbH, Lohmar.
16. Brünger, C, (2008). 'Risikomanagement und Investmentstrategien für Kapitalanlagen mittelständischer Unternehmen', Shaker Verlag, Aachen.
17. Caneghem, T; van Campenhout G, (2010). 'Quantity and quality of information and SME financial structure', Springer Science+Business Media, Brussel.
18. Carling, K, Jacobson, T, Linde, J, Roszbach, k. (2002) *Capital Charges under Basel II: Corporate Credit Risk Modelling and the macro Economy*. SerigesRiskbank Working Paper Servies. September 2002, no 142.
19. Centrotec, (2006), annual report: <http://www.centrotec.de/investor-relations/>
20. Cerovac, S. and Ivicic, L, (2009). 'Credit Risk Assessment of Corporate Sector in Croatia', *Financial Theory and Practice*, 33 (4), 373-399.
21. Chijoriga, M. M, (2011). 'Application of multiple discriminant analysis (MDA) as a credit scoring and risk assessment model', *International Journal of Emerging Markets*, Vol. 6 No. 2, 132-147.
22. Chisholm, A. M, (2010). 'Derivatives Demystified', John Wiley & Sons, Chichester.
23. Coenenberg, A. G, (2005). 'Jahresabschluss und Jahresabschlussanalyse', Schäffer-Poeschel Verlag, Stuttgart.
24. *Commercial Bank Portfolio Behavior: Theory and Practice Journal of deutschen KMU'*, KSI, 3/2008, pp. 106-111.
25. Dhanani, A; Fifield, S; Helliari, C. and Stevenson L, (2007). 'Why UK companies hedge interest rate risk', *Studies in Economics and Finance*, Vol. 24 No. 1, pp. 72-90.
26. Dimond, Douglas. (1999) "Monitoring and Reputation: The Choice between BankLoans and Directly Placed Debt" *Journal of Political Economy*, Vol.99, Issue. 4.
27. Drog, E. L. and Goldberg, S. R, (2008). 'Managing Foreign Exchange Risk', *TheJournal of Corporate Accounting & Finance*, January/February 2008, pp. 49-57.
28. García-Teruel, P. J. and Martínez-Solano, P, (2007). 'Short-term Debt in Spanish SMEs', *International Small Business Journal*, 25, 579-602.

29. Gennotte, G, Pyle, D, (1991), Capital controls and bank risk, *Journal of Banking & Finance*, Volume 15, Issues 4-5, September 1991, Pages 805-824.
30. Invegs, S. (2011). Basel III- valbehovligaregler for en sakararebanksector. SverigesFinansanalytikersForening.
31. Karen A, Bantel T, Jackson, E, Top management and innovations in banking: Does the composition of the top team make a difference?(2007), *Strategic Management Journal*, (10): 107-124.
32. Khong, R. W. L, Ong, S-W. and Yap, V. C, (201۳). 'Corporate failure prediction: A study of public listed companies in Malaysia', *Managerial Finance*, Vol. 37, No. 6, 553-564.
33. Klein, M.A. (1971). A Theory of the Banking Firm. *J.O. money, Credit and leistungswirtschaftlicher Risiken*, *Controlling*, 17/2005, pp.233-241
34. Liekweg, A. and Weber, J, (2000). 'Statutory regulation of the risk-management function in Germany: implementation issues for the non-financial sector', in Frenkel.
35. Markowitz, H, (1952)"Portfolio Selection", *The Journal of Finance*, 7(1): 77-91.
36. Meulbroek, I. K. (2002). A seniormanager's guide to integrated risk management. *Journal of Applied Corporate Finance*, 14 (4), 56-70.
37. Mikes, A. (2009). Risk Management and Calculative Cultures. *Management Accounting Research*, Vol20, Issue 1, pp. 18-40.
38. Milo, D; (2007). 'The Derivatives as Financial Risk Management Instruments: The Case of Croatian and Slovenian Non-financial Companies', *Financial Theory and Practice*, 31 (4), pp. 395-420.
39. Mongiardino, A, and C. Plath, 2010, Risk governance at large banks: Have any lessons been learned? *Journal of Risk Management in Financial Institutions* 3, 116-123.
40. Nilson, N.I, Kleffner, A.E, Lee, R.B. (2005). The evolution of the Role of Risk Communication in Effective Risk Management. *Risk management and Insurance Review*. Vol. 8, Issue 2, pp. 279-289.
41. Porporato, M. and Sandin, A. R, (2007). 'Corporate bankruptcy prediction models applied to emerging economies - Evidence from Argentina in the years 1991-1998', *International Journal of Commerce and Management*, Vol. 17 No. 4, 295-311.
42. Power, M. (2009) *The Risk Management of Nothing*. *Accounting, Organization and Society*, Vol. 34, Issues 6-7, pp. 849-855.
43. Rautenstrauch, T. and Wurm, C, (2008). 'Stand des Risikomanagements in Riksbanken: Penningpolitisk rapport. (October 2010). Basel III- skarpregler for banker.
44. Risikomanagements in Unternehmen - Eine empirische Untersuchung', *Zeitschrift für Controlling & Management*, 2/2010, pp.114-121.
45. Risikoposition von KMU beim Rating unter besonderer Berücksichtigung
46. Schönborn, J, (2010). 'Financial risk management: management of interest risk from a corporate treasury perspective in a service enterprise', *Diplomica Verlag, Hamburg*.
47. Slovenian Firms', *Managing Global Transitions*, Volume 7 Number 3, pp. 281-306.
48. Standard and Poors (2008). Enterprise risk management for rating of nonfinancial corporations. *Ratings Direct*. Vol. 5.

49. Stroeder, D, (2008). 'Fundamentale Risiken im deutschen Mittelstand und Modelle zu ihrer Bewältigung', Dr. Stroeder Süddeutsche Mittelstandsberatung GmbH, Stuttgart.
50. Triantis, A. J; (2000). 'Corporate Risk Management: Real Options and Financial Hedging', Journal of Applied Corporate Finance, pp. 557-574.
51. Unternehmen' in Pfohl, H. C, 'Betriebswirtschaftslehre der Mittel- und Kleinbetriebe', Erich Schmidt Verlag, Berlin, pp.298-302.
52. Vickery, J; (2006). 'How and Why Do Small Firms Manage Interest Rate Risk? Evidence from Commercial Loans', Federal Reserve Bank of New York, Staff Report no 215, pp. 1-48.
53. Wildemann, H, (2005). 'Handlungsempfehlungen zur Verbesserung der Wood (eds), Asset Prices and Real Economy, Macmillan Press, London.

Risk Management and Basel Rules in Iranian Sample Banks

Ahmad Aslizadeh¹, Arash Barandeh Poormahram², Hossein Saremi³

1- Assistant Professor, Management and Accounting School, Islamic Azad University, Yadegar Imam Branch

2- MA in Management and Accounting, Islamic Azad University, Science and Research Branch

3- MA in Management and Accounting, Islamic Azad University, Science and Research Branch

Abstract

It is essential to be aware of risk management to promote internal and external control and progress risk management in banking to prevent from financial crisis. The objective of this study is to examine awareness level of risk management among senior management examining relationships between senior management and risk control sector in Iranian Banks considering application of Basel I and Basel II rules in Iranian banks. To conduct study, interview method was used; for this purpose, managers of risk sector in Tosee Tavon, Tosee Saderat, Ayandeh, and Maskan Banks were interviewed. Evidences indicated an increase in awareness level of senior managers in Iranian banks over recent years, but it is required to strengthen risk management and increase awareness among senior managers if Iranian banks. Iranian banks consider Basel rules inadequate and believe in design of regional patterns.

Keywords: Risk Management, Iranian Banks, Basel Rules
